

تحولات قاعده درأ در قانون مجازات اسلامی با رویکرد آموزه های کیفرشناسی نوین*

کیوان حیدر نژاد^۱

سید ابوالفضل میرجعفرپور^۲

چکیده

یکی از قواعد حقوقی در فقه قاعده درأ می باشد که مطابق این قاعده با اثبات شبهه یا تردید در ارتکاب جرم، جرم مذکور ثابت نمی شود. این قاعده در قانون مجازات اسلامی سابق شامل برخی از جرایم حدی می شد، ولی در قانون مجازات فعلی این قاعده شامل تمامی جرایم اعم از حد و تعزیر می شود. یعنی هرگاه وقوع جرم یا برخی از شرایط آن و یا هریک از شرایط مسئولیت کیفری مورد شبهه یا تردید قرار گیرد و دلیلی بر نفی آن یافت نشود حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی شود. در این مقاله نگارندگان با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، قصد دارند که تحولات قاعده درأ در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ را با آموزه های کیفرشناسی نوین تطبیق دهد. در کیفر شناسی نوین با اتکاء به اندیشه مدیریت خطر و با استفاده از ابزارهای آماری مجرمان به دو دسته پرخطر و کم خطر تقسیم بندی می شوند. برای مجرمان پر خطر سیاست کیفری سخت گیرانه ای اعمال می گردد. لذا با توجه به نتایج بدست آمده مشخص گردید از یک طرف مطابق ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قاعده درأ شامل برخی از جرایم حدی مانند محاربه، افساد فی الارض، سرقت و قذف نمی شود و برای سقوط این جرایم نیازمند به تحصیل دلیل می باشد. بنابراین قانونگذار یک سیاست کیفری سخت گیرانه ای در نظر گرفته است. اما از طرف دیگر مطابق ماده ۱۱۹ همان قانون این قاعده شامل تمامی جرایم اعم از حدی و تعزیری می شود و این با آموزه های کیفرشناسی نوین مطابقت ندارد.

کلیدواژه ها: قاعده درأ، کیفرشناسی نوین، سیاست کیفری سخت گیرانه.

*تاریخ دریافت: ۹۴/۷/۳۰ تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۲/۱۵

۱- دانشجوی دوره دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه، ایران، مراغه(نویسنده مسئول). keyvan_heidarnejad@yahoo.com

۲- کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی.

مقدمه

قاعده درآ یکی از مشهورترین قواعد فقه جزایی است و در کتابها و مقالات از آن فراوان بحث شده است، بی‌گمان مشهورترین قاعده باب حدود، که نخست در باب حدود مطرح شده و سپس از تسری آن به تعزیرات و سایر مجازاتها بحث شده است، قاعده درآ است. ظاهر اصحاب و فقهای امامیه و حتی اهل سنت پذیرش این قاعده است؛ به گونه‌ای که مرحوم آیت الله سبزواری این قاعده را «من القواعد التي ارسلوها ارسال المسلمات وجعلوها مما استدلل بها لاعليها» (سبزواری، ۱۴۱۷ ص ۲۲۶). و بی‌نیاز از بحث و بررسی مستندات آن می‌داند؛ اما در عین حال فقیه بزرگی از فقهای امامیه همچون مرحوم آیت الله خویی، روایت «ادرتوا الحدود بالشبهات» را صحیح نمی‌داند و به چنین عمومی قائل نیست (خویی، ۱۳۹۶ صص ۱۳۶، ۱۶۸). برخی نیز در اینکه این قاعده مطلب جدیدی را بیان کند، تاملاتی دارند. مفاد اجمالی قاعده آن است که حدود با شبهه برداشته می‌شوند و مجازات حدی تنها در صورتی جاری می‌شود که هیچ گونه شک و شبهه‌ای در میان نباشد. در این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی سعی شده است تعامل آموزه های کیفرشناسی نوین با تحولات قاعده درآ در قانون مجازات اسلامی تطبیق داده شود. این مقاله در سه گفتار تدوین شده است. در گفتار اول به مفهوم کیفرشناسی نوین، در گفتار دوم به مفهوم قاعده درآ و در گفتار سوم به تحولات قاعده درآ در قانون مجازات اسلامی با رویکرد آموزه های کیفرشناسی نوین پرداخته شده و در پایان نتیجه گیری آمده است.

گفتار اول: مفهوم کیفری شناسی نوین

کیفر شناسی نوین شاخه ای از علوم جنائی تجربی است که کیفر موضوع اصلی این دانش است. شکل گیری این علم به دوره های مکتب کلاسیک و اثباتی باز می‌گردد. در آغاز این علم به بررسی مجازات زندان و شیوه اجرای مفید آن یا همان علم اداره زندان ها بوده که با گذر زمان قلمرو این علم گسترش یافت. امروزه دانش کیفرشناسی به کمک علوم دیگری مثل جرم شناسی در زمینه اجرای مجازات شیوه های کارآمد و نوینی به حقوق کیفری ارائه داده است. ولی از آنجا که اجرای چنین روش های از لحاظ اقتصادی با صرفه نبوده و زمان بر هستند، دولت ها از این شیوه استقبال نکردند. امروزه دولت ها برای چابک سازی خود رفته رفته از اختیارات خود کاسته و به بخش خصوصی واگذار می‌کنند. در چنین شرایطی وظیفه اصلی دولت فقط حفظ امنیت شهروندان می‌باشد و جرم به عنوان یک پدیده نامشروع، مزاحم امنیت نشان داده می‌شود. لذا بهترین روش برای مقابله با آن اعمال خشونت یا همان کیفر است. این اعمال مجازات خشن و قاطعانه به جرم به شهروندان نشان خواهد داد که دولت مراقب آن ها است. پس با وقوع دگرگونی های در زمینه های سیاسی و رشد عوام گرایی کیفری، زمینه های جرم شناختی و زمینه های اقتصادی باعث تغییر و تحول علم کیفر شناسی شده و باعث تولد کیفر شناسی نوین شده است. در این گفتار به مفهوم جرم، مجرم و مجازات از منظر کیفرشناسی نوین پرداخته می‌شود.

الف - مفهوم جرم از منظر کیفرشناسی نوین

کیفرشناسی نوین جرم را واقعه کاملاً طبیعی هماننی سیل و زلزله و بیماری می‌داند که وقوع آن اجتناب ناپذیر است. و امنیت اجتماع را همانند سایر خطرات طبیعی تهدید می‌کند (Feeley & Simon, 1994: 173). هماهنگی که وقایع طبیعی از نظم مشخصی پیروی می‌کنند، وقایع مجرمانه تابع نظم مشابه است. به عبارت دیگر وقایع مجرمانه خواه یا ناخواه نظمی را در وقوع پدیده مجرمانه نشان می‌دهد. که در آن رویداد جرم توسط افراد کوچکی واقع می‌شود. سیاست های مبارزه با جرم در خصوص این درصد کوچک اما قابل توجه از مجرمان بی تأثیر است، آن ها لحظه ای از ارتکاب جرم دریغ نمی‌ورزند.

به همین دلیل کیفرشناسان نوین توجیهات ساختاری و غیر ساختاری در خصوص پدیده مجرمانه را به دست فراموشی سپردند. در واقع رویکردهای علت شناختی افزون بر این که نتوانسته اند توضیحی قانع کننده در خصوص جرم ارائه دهند،

کارکردی ناموفق در خصوص مبارزه با جرم و محو آن را نشان دادند که به سادگی نمی توان از کنار آن گذشت. با اختصاص هزینه های فراوان نرخ جرایم هرروزه در حال افزایش است. محدودیت منابع مورد استفاده نظام عدالت کیفری کار را مشکل می کند (Slingeneyer, 2007: 3). در این میان طبیعی بودن جرم و تبعیت آن از الگوی منظم کیفرشناسان را در اتخاذ راه حل مناسب برای برخورد با این پدیده یاری می رساند. چرا که رفتار مجرمانه که مبتنی بر نظم و قاعده است قابل پیش بینی است و با توجه به طبیعی بودن امری اجتناب ناپذیر است. این راه حل جدید نگاه فنی به جرم است. بدین ترتیب که به جای حذف معلول (جرم) به تلاش های بی سرانجام برای کشف علت وقوع جرم ادامه دهد، به گونه ای بر جرم مدیریت کند که فراوانی وقوع آن در محدوده قابل تحمل برای جامعه حفظ شود.

در این معنای جدید به جرم صرف نظر از معنای اخلاقی آن نگاه می شود که به محض وقوع آن نظام عدالت کیفری با محاسبات آماری در پی مدیریت آن بر آیند (Feeley & Simon, 1992: 452).

ب- مفهوم مجرم از منظر کیفرشناسی نوین

از زمان شکل گیری جرم شناسی علمی تا پیش از ظهور کیفرشناسی نوین در تمامی تحلیل های ارائه داده شده مجرم به عنوان یک شخص مورد بررسی قرار می گرفت یعنی نگاه فرد مداری به مجرم می شد. در کیفرشناسی نوین این مساله به گونه متفاوت مورد توجه قرار گرفت. یعنی ملاحظیات فردی جای خود را به ملاحظیات اماری گروه ها می دهد و مجرم به عنوان عضوی از یک زیر مجموعه تلقی می شود (Ibid). چراکه منابع نظام عدالت کیفری محدود بوده و همچنین هزینه های برخورد فردی با مجرمان بسیار بالاست. تحقق مدیریت مطلوب مقتضی آن است که مجرمان برحسب میزان خطرناکی به گروه هایی تقسیم شده و برای هر گروه اقداماتی متناسب با آن وضعیت انجام گیرد. براسای تحقیقات آماری در جامعه دو گروه مجرم وجود دارد: گروه اول مجرمانی هستند که معیار هی مشارکت، شدت، مدت و تکرار در رفتارهای مجرمانه را در سطوح پایین دارا هستند. این ویژگی باعث شده است این دسته از مجرمان کم خطر نامیده شود. دسته دوم مجرمانی هستند که معیارهای فوق را در سطح بالاتری ارا هستند که به آن ها مجرمان پرخطر گفته می شود. یعنی افرادی که مرتکب شدیدترین جرایم شده، طولانی ترین مدت درگیری در رفتار مجرمانه را دارند و بیشترین تعداد جرایم را مرتکب می شوند، و وجود این ویژگی ها به فرد عنوان خطرناکی می دهد. نتیجه این جداسازی خلق مفهوم (مجرم پر خطر) برای دسته دوم می باشد (Blumstein et.al, 1986: 24-26).

بدین ترتیب کیفرشناسی نوین مفهوم جدیدی را با نام مجرم پرخطر به ویتترین خود افزود. این تولید جدید برخلاف مفاهیم مشابه خود مانند مجرم به عادت و مجرم بالفطره، متضمن معنایی علت شناسانه از جرم نیست. در مقابل، این مفهوم پرده ای را به تصویر می کشد که بازیگران آن گروهی کوچک و قابل تشخیص از مجرمان هستند که کیفرشناسی نوین به دنبال شناسایی و مدیریت آن هاست (Feeley & Simon, 1995: 94).

مسئولیت ارتکاب بیشتر جرایم جامعه به عنوان ویژگی بارز و جدید این گروه کیفرشناسان را بر آن داشته است که از تمامی امکانات موجود بهره گیرند تا بتوانند این اقلیت خطرناک، اما قابل تمییز را شناسایی کنند. شناسایی و جداسازی مجرمان کم خطر از مجرمان پر خطر موجبات استفاده از تکنیک های دارای بیشترین کارایی را در خصوص هر گروه فراهم می آورد. امری که به معنای حرکت در مسیر عقلانیت شکلی و روی گردانی از عقلانی ذاتی است. بنابراین کیفرشناسی نوین با گروه بندی مجرمان توانایی خود را برای رسیدن به اهداف مورد نظر نشان می دهد. بدین ترتیب که از یک سو با اعمال تکنیک های جامعه محور و در عین حال کم هزینه نسبت به مجرمان کم خطر و نیز دارای خطر متوسط که تهدید جدی علیه امنیت اجتماع محسوب نمی شوند، از سوی دیگر با اعمال مجزات های طولانی مدت نسبت به مجرمان پر خطر

که امنیت اجتماع را به شدت به مخاطره می اندازند، در منابع و هزینه های نظام عدالت کیفری صرفه جویی می کنند (Feeley & Simon, 1994: 179-180).

پ- مفهوم مجازات از منظر کیفرشناسی نوین

۱- زندان

در کیفرشناسی نوین زندان به عنوان یک نهاد نظارتی و مدیریتی برای انباشت مجرمان پر خطر می باشد. اختصاص چنین نقشی به زندان در کیفرشناسی نوین مبتنی بر سیاست ناتوان سازی گزینشی است. به موجب این سیاست مجرمان پر خطر موجوداتی اصلاح ناپذیر و رام نشدنی هستند که به قطع و یقین در صورت آزادی به ارتکاب جرم روی می آورند. به همین دلیل با اعمال محدودیت فیزیکی که بهترین آن زندان می باشد (Greenberg, 1975: 542)، از سرگیری دوباره فعالیت های مجرمانه آنان را برای مدت طولانی به تأخیر می اندازد.

کیفرشناسی نوین در درون زندان ها نیز نظارت مدیریت و تأمین امنیت مدنظر خود را اجراء می کند. بدین ترتیب که زندان ها را بر اساس سطوح امنیتی درجه بندی می کند (Sun, 2007: 26-27).

۲- بازداشت پیش گیرانه

از این پس حضور یا عدم حضور متهم که مبنایی برای صدور آزادی و بازداشت های پیش از محاکمه تلقی می شد، جای خود را به سنجش میزان خطرناکی وی داد که با استفاده از ابزارهای آماری تعیین می شد. تفوق امنیت جامعه بر آزادی گروه های پرخطر ایجاب می نماید که کیفرشناسی نوین متهمان پر خطر را شناسایی و تحت لوای بازداشت پیش گیرانه آنان را تا زمان محاکمه از جامعه دور قرار دهد (Blomberg et al, 1998: 278).

۳- نیم رخ سازی

به تصویر کشیدن ویژگی های بارز گروه های خطرناک ذیل یک عنوان واحد برای توجیه توقیف و بازجویی و تحقیق از افرادی که ظاهراً دارای این ویژگی ها می باشند، یکی از اقداماتی است که کیفرشناسی نوین به جهت تأمین یکی از دغدغه های اصلی خود آن را ایجاد و ترویج کرده است. این نیم رخ ها از تغییر شگرف حکایت می کنند که در آن کیفرشناسی نوین با نگاهی همه جانبه به پدیده های عادی، همه چیز را تحت نظر و مدیریت خود قرار می دهد (Rose, 2002: 183, 185). دوربین های نظارتی خود را در اماکن عمومی، فرودگاهها، خیابان ها، جاده ها... قرار داده تا دیده بانی کنند. در این جا تطبیق ویژگی های فرد مظنون با نیم رخ مربوطه نشانگر ارتباط وی با جرمی است که دارندگان آن نیم رخ انجام می دهند.

۴- مجازات بینابین

هدف از به کارگیری مجازات های بینابین افزایش نظارت و کنترل بر مجرمان است. استفاده از ابزارهای نظارتی مانند سیستم های الکترونیکی، آزمایش های دوره ای مواد مخدر و شروط نظارتی مانند ملاقات های مکرر با مقامات اعطا کننده این مجازات ها و تأییدیه های استخدامی، نیل به این هدف را هموار می سازد.

برخی اقسام مجازات بینابین مانند تعلیق و آزادی مشروط و زندان های شوک آور در مقایسه با دیگر مصادیق این مجازات ها، مانند حبس خانگی، مراکز گزارش روزانه، مجازات مالی و خدمات عام المنفعه بیش تر گویای مدیریت مدنظر کیفرشناسی نوین می باشند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۲ ص ۱۶).

گفتار دوم: مفهوم قاعده درأ

در بررسی واژگان قاعده درأ باید به تحلیل و تبیین سه واژه الف- (درأ) ب- (حدود) و ج- (شبهات) پردازیم.

الف- درأ

واژه (درأ) که مصدر (تدر)، (ادرثوا) و الفاظ مشابه دیگر است، در لغت به معنای (دفع کردن)، (ساقط کردن) و (تعطیل کردن) آمده است (فراهیدی، ۱۴۰۹ ص ۶۱- جوهری، ۱۴۰۷، ص ۴۸). بنابراین، منظور از درأ حد، دفع کردن و ساقط کردن و عدم اجرای آن است.

ب- حدود

حدود جمع حد است و از نظر لغت به معنای منع است (الحد هو المنع). مثلاً مرزی که بین دو کشور است و دو کشور را از یکدیگر جدا می کند، حد و حدود می نامند، زیرا مانع از آن است که شهروند کشوری بدون مجوز وارد کشور دیگری بشود. همچنین در لغت عرب بواب و سجان را حداد نیز می نامند، بواب کسی است که دم در می ایستد. مانع از دخول افراد می شود. عرب به زندانبان و سجان حداد نیز می گوید. قرآن مجید می فرماید، احکام الهی حدود الهی هستند، یعنی از احکام الهی به حدود الهی تعبیر شده است. {تلك حدود الله فلا تقربوها} یعنی حدود الهی حدی است که مانع از آن است از این طرف بروی یا از آن طرف. پس کلمه حد فقط یک معنا پیدا کرد که همان منع می باشد و بقیه از مصادیق هستند. حد از معنای اصطلاحی به آن عقوبتی می گویند که برای آن در کتاب و سنت معین شده است {الزانیه و الزانی فاجلدوا کل واحد منهما مائه جلده} یا می فرماید {والسارق والسارقة فاقطعوا ايديهما جزاء بما كسبا نكالا من الله و الله عزيز حكيم}. در خصوص اهمیت اجرای حد امام صادق (ع) حد را تشبیه به باران می کند. یعنی همانگونه که باران سبب رویدن گل ها و شکوفه شدن درخت ها می شود. حد نیز یک چنین نقشی در زندگی انسان ها دارد. (سبحانی، ۱۴۳۲ ه.ق، صفحه ۹)

پ- شبهات

(شبهات)، جمع واژه «شبهه» است و شبهه در لغت به معنای «التباس»، (جوهری، همان، ص ۲۲۳) پوشیدگی کار و مانند آن (سیاح، ۱۳۶۵ ص ۶۹۸) آمده است. اما ببینیم مراد از (شبهه) در قاعده درأ و به عبارت دیگر معنای اصطلاحی شبهه چیست. فقها در تعریف شبهه اختلاف عقیده دارند. مثلاً شهید اول با پیش کشیدن (ظن) شبهه را اماره ای می داند که برای مرتکب، موجب گمان به حلیت عمل شده و در نتیجه به عملی دست زده است که در واقع حرام است (مکی، القواعد و الفوائد، ص ۳۷). اما شهید ثانی با توسعه دایره شبهه، وهم به حلیت عمل ممنوع را نیز شبهه می داند (عاملی، مسالک الافهام، ص ۳۳۷). دلیل شهید ثانی عموم حدیث (ادرثوا الحدود بالشبهات) است. ظاهر عبارت مرحوم آیت الله خوئی این است که شبهه، اعتقاد و یقین به مجاز بودن عملی است که در واقع حرام است و ناشی از جهل حکمی تقصیری نیست، بلکه از جهل قصوری یا تقصیری در مقدمات ناشی شده است (خوئی، ۱۳۹۶، ص ۱۶۹). جالب اینجاست که با وجود این همه اختلاف، صاحب ریاض معنایی را برای شبهه مطرح می سازد و برای آن ادعای اجماع می کند:

و ضابطها ما اوجب ظن الاباحه بلا خلاف اجده و لعله المفهوم منه عرفاً و لغة (طباطبایی، ۱۴۲۲، ص ۴۱۶). ضابطه شبهه چیزی است که باعث گمان به حلیت عمل [که در واقع ممنوع است] شود. مخالفی را در این مورد نیافتیم و شاید آنچه در عرف و لغت از این واژه فهمیده می شود، همین معناست.

باید توجه داشت که این اختلاف میان فقها در تعریف شبهه امری طبیعی است. در واقع چون در مورد دایره شبهه ای که موجب سقوط حد می شود میان فقها اختلاف عقیده وجود دارد، هر فقیهی سعی کرده است با توجه به دایره مورد پذیرش خویش، شبهه را تعریف کند و ضابطه آن را مشخص نماید.

اما مشکلی که در این میان وجود دارد این است که اگر خواسته باشیم شبهه را با توجه به موارد کاربرد قاعده درأ تعریف کنیم، تعریف آن نه (توهم الفاعل او المفعول ان ذلك الفعل سائغ له) است و نه (ما اوجب ظن الاباحه) و نه (الجهل عن قصور او تقصير في المقدمات مع اعتقاد الحلیة حال الوطی).

توضیح اینکه فقها در مواردی به قاعده درأ استناد کرده و به سقوط حد رأی داده‌اند که در آنها شبهه به هیچ یک از معانی مذکور نیست. مثلاً در مورد قذف که به معنای نسبت دادن زنا یا لواط به دیگری است، این بحث وجود دارد: آیا نسبت دادن دو عمل فوق فقط باید با لفظ صورت بگیرد و در نتیجه کسی که به وسیله‌ای غیر از الفاظ، همچون عکس و نقاشی و مجسمه و نوشته، زنا یا لواط را به کسی نسبت داده، مرتکب جرم قذف نشده است؟

برخی از فقها (فاضل لنکرانی، ۱۳۷۵، ص ۵۲۵) با پیش کشیدن قاعده درأ، مصداق متیقن قذف را نسبت دادن به وسیله لفظ می‌دانند. بدیهی است در اینجا کسی که به وسیله نوشته و نقاشی و... زنا یا لواط را به کسی نسبت می‌دهد، وهم یا ظن یا اعتقاد به اباحه عمل ندارد، بلکه می‌داند که مرتکب فعل حرام می‌شود.

نیز اگر خنثای مشکل مرتد شود و ندانیم که وی زن است تا مجازات او حبس و ضرب باشد یا مرد است تا مجازات او قتل باشد، گفته شده به استناد قاعده درأ می‌توان مجازات قتل را از او منتفی دانست (نجفی، ۱۳۶۸، ص ۶۱۲). بدیهی است شبهه در این مورد هم به معنای یاد شده نیست.

تعاریف فوق و امثال آن مشکل دیگری نیز دارند. بنابراین تعاریف، محل عروض شبهه خصوص شخص متهم است و قاعده درأ در مورد شبهه نزد قاضی جاری نمی‌شود. چون شبهه تنها در مورد متهم به معنای (آنچه باعث وهم یا گمان یا اعتقاد به اباحه عمل ممنوع شود) می‌باشد. در حالی که برخی از فقها معتقدند شبهه اعم از آنکه برای قاضی حاصل شود یا برای متهم، باعث سقوط حد می‌شود (نجفی، همان، ص ۴۹۴-۴۹۵ اردبیلی، ۱۴۱۳ ص ۸۹). می‌دانیم که شبهه نزد قاضی به معنای مذکور نیست. در دو مثال پیشین، قاضی چون نمی‌داند خنثای مرتد، مرد است یا زن یا نمی‌داند قذف از نظر اسلام نسبت دادن زنا یا لواط با خصوص لفظ است یا اعم از لفظ، نمی‌تواند مجازات مناسب را اعمال کند. بنا به آنچه گذشت، به نظر می‌رسد معنای اصطلاحی شبهه همان معنای لغوی آن است. به عبارت دیگر، شبهه در قاعده درأ از معنای لغوی خود دور نشده است. شبهه، یعنی التباس و روشن نبودن واقعیت، گاه باعث ظن به اباحه می‌شود و گاه نمی‌شود.

ت- نمونه رای اصراری کیفری دیوان عالی کشور که با استناد به قاعده درأ موجب منتفی شدن حکم اعدام شد

جلسه هیات عمومی دیوان عالی کشور موضوع رای اصراری کیفری ردیف ۸۹/۴۲ به ریاست آیت‌الله گرکانی، رئیس دیوان عالی کشور و با حضور آیت‌الله محسنی‌اژه‌ای، دادستان کل کشور و قضات شعب کیفری دیوان صبح روز سه‌شنبه ۲۵ بان ۸۹ برگزار شد. به گزارش گروه دریافت خبر ایسنا، سه متهم این پرونده، نوجوان ۱۳ ساله‌ای را در ایلام ربوده، به نقطه‌ای خارج از شهر برده و به او تجاوز کرده‌اند. با شکایت پدر این نوجوان، پرونده به جریان می‌افتد و متهمان دستگیر می‌شوند. موضوع شکایت با توجه به جرم حادث شده، ابتدا در دادسرا مطرح می‌شود؛ اما دادسرا طبق قانون قرار عدم صلاحیت صادر کرد و پرونده را به دادگاه کیفری استان ارسال می‌کند که به شعبه دوم دادگاه کیفری استان ایلام ارجاع می‌شود. این شعبه بدون حضور وکیل جلسه دادگاه را تشکیل می‌دهد. متهمان اصلی در جلسه رسیدگی دادگاه هرکدام چهار مرتبه به جرم خود اقرار می‌کنند. دادگاه پس از حضور وکیل، مجدداً تشکیل جلسه می‌دهد؛ اما در این جلسه دادگاه متهمان از اقرار قبلی خود عدول می‌کنند. دادگاه با اعلام ختم دادرسی با احراز اتهام متهمان دایر بر ارتکاب عمل شنیع لواط ایقابی به عنف براساس محتویات پرونده از جمله گزارش مراجع قضایی، نظریه پزشکی قانونی، شکایت اولیه شاکی، اظهارات شخص مفعول و اقرار اربعه متهمان، صرف‌نظر از انکار بعدی آنان و با رد دفاعیات غیرموجه وکیل متهمان، حکم اعدام این سه مجرم را صادر می‌کند. پس از اعتراض وکیل متهمان، پرونده به دیوان عالی کشور ارسال شده و به شعبه بیستم ارجاع می‌گردد. این شعبه نیز به دلیل آن که مجنی علیه و وکیل متهمان در جلسه رسیدگی دادگاه حاضر نبوده‌اند، موضوع را مخالف مقررات ماده ۱۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری دانسته و رای دادگاه کیفری استان را نقض می‌کند. به این ترتیب، پرونده به شعبه دیگر دادگاه کیفری استان ارجاع می‌شود.

این شعبه نیز با توجه به محتویات پرونده، به ارتکاب عمل شنیع لواط ایقابی با عنف از جانب متهمان با مجنی علیه علم حاصل کرده و در اجرای مواد ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۲ و ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی حکم به اعدام آنان صادر می‌کند. با تجدیدنظرخواهی دوباره وکیل متهمان، با توجه به سبق ارجاع، پرونده به شعبه هم عرض دادگاه کیفری استان ارجاع می‌شود. پس ارسال پرونده به دادگستری استان ایلام، معاون قضایی عنوان می‌دارد که دادگاه هم عرض در استان وجود ندارد و بنابراین پرونده به دادگاه کیفری استان کرمانشاه ارسال می‌شود. شعبه دادگاه کیفری استان کرمانشاه نیز همانند شعب دادگاه کیفری استان ایلام بزه منتسب به متهمان را محرز دانسته و در رای خود اعلام می‌دارد: با احراز برخورداری متهمان از مسئولیت کیفری به استناد مواد ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۱۶ و ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی و مسائل ۱ و ۲ و ۳ از مبحث (الفصل الثانی فی اللواط) تحریرالوسیله امام (ره) حکم به قتل متهمان با سپردن به چوبه‌دار صادر و اعلام می‌شود. با اعتراض مجدد وکیل محکومان، با توجه به سبق ارجاع، پرونده به شعبه بیستم دیوان عالی ارسال می‌شود. این شعبه نیز پرونده را اصراری دانسته و بر این اساس موضوع پرونده در هیات عمومی دیوان عالی کشور مطرح می‌شود. پس از طرح پرونده در هیات عمومی دیوان عالی کشور، اکثریت قضات شعب، رای شعبه ۲۰ دیوان عالی کشور مبنی بر عدم احراز وقوع لواط ایقابی را تایید کردند. (<http://www.maavanews>)

گفتار سوم: تحولات قاعده در آ در قانون مجازات اسلامی با رویکرد آموزه های کیفرشناسی نوین

در این گفتار ابتدا به بررسی قاعده فقهی، حقوقی در آ در قانون مجازات اسلامی سابق و جدید پرداخته می‌شود و سپس این قاعده با رویکرد آموزه های کیفرشناسی نوین مطابقت داده می‌شود، تا مشخص گردد که آیا قاعده در آ با آموزه های عدالت سنجشی مطابق دارد یا ندارد.

الف- قاعده در آ در قانون مجازات اسلامی سابق (مصوب سال ۱۳۷۵)

قاعده در آ خود به صورت یک ماده در قوانین جلوه نکرده است، اما مبنای برخی از مواد هم در زمینه شبهه متهم و هم در زمینه شبهه قاضی است. در زمینه شبهه متهم، تبصره ۱ ماده ۸۲ قانون حدود و قصاص مصوب ۱۳۶۱، جهت تقصیری بسیط را عذر محسوب نمی‌کرد، اما این تبصره در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ حذف گردید. لذا جهل عذر محسوب می‌شود، به ویژه اینکه قانون‌گذار در مواد متعددی ثبوت حد زنا و شرب مسکر و سرقت را منوط به علم مرتکب به حکم و موضوع دانسته است. مواد ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۱۶۶ و ۱۹۸ از آن جمله‌اند. در مورد شبهه قاضی نیز قانون‌گذار در مواردی به سقوط حد نظر داده است. مثلاً ماده ۶۶ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد (هرگاه مرد یا زنی که با هم جماع نموده‌اند ادعای اشتباه و ناآگاهی کند، در صورتی که احتمال صدق مدعی داده شود، ادعای مذکور بدون شاهد و سوگند پذیرفته می‌شود و حد ساقط می‌گردد) و مطابق ماده ۶۷: (هرگاه زانی یا زانیه ادعا کند که به زنا اقرار شده است، ادعای او در صورتی که یقین بر خلاف آن نباشد قبول می‌شود) تبصره ۱ ماده ۱۶۶ هم حاکی از آن است که اگر شراب خوار مدعی جهل به حکم یا موضوع باشد و صحت دعوی وی محتمل باشد، محکوم به حد نخواهد شد. ماده ۱۷۳ این قانون هم اشعار می‌دارد (اقرار یا شهادت در صورتی موجب حد می‌شود که احتمال عقلایی بر معذور بودن خورنده مسکر در بین نباشد). در نهایت باید به ماده ۱۹۴ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ اشاره کرد که در مورد متهمی که اقرار به ارتکاب جرمی نموده است، به دادگاه اجازه مبادرت به صدور رای می‌دهد، به شرط اینکه (اقرار او صریح و موجب هیچ گونه شک و شبهه‌ای نباشد و قرائن و امارات نیز مؤید این معنی باشند). استناد به قاعده در آ در آرای دادگاهها و شعب دیوان عالی کشور و نیز هیات عمومی دیوان عالی کشور بسیار به چشم می‌خورد. متأسفانه با مطالعه آرای محاکم و شعب دیوان عالی کشور، گاه دیده می‌شود که قضات در استناد به قاعده در آ افراط ورزیده‌اند و با وجودی که ظواهر پرونده حاکی از مجرم بودن متهم است، به اندک شبهه‌ای حد را ساقط دانسته‌اند و با قاعده در آ برخورد عقلایی نکرده‌اند. افراط در قاعده در آ و سقوط حد به اندک شبهه

و نیز افراط در اصل برائت و اصل احتیاط، گاه موجب صدور آرای شده که تعجب‌آور است و باعث سلب اعتماد مردم به دستگاه قضایی می‌گردد. به نمونه‌های زیر توجه کنید.

در این پرونده آقای... و دوشیزه... متهم‌اند به زنا محصن و غیر محصن. متهمه اظهار می‌دارد: روزی به مغازه متهم رفتم و به من گفت می‌خواهم با شما ازدواج کنم فکر بکن بعد جواب بده که من بعد از مدتی به او گفتم شخص دیگری برای خواستگاری من آمده بوده، راضی نبودم ولی پدر و مادرم به اجبار قصد این کار را داشتند. من در تاریخ ۶۸/۳/۲۵ به او مراجعه نمودم، به او گفتم قصد ازدواج با او را دارم و لذا برای نجات از خواستگار مرا فراری دهد که در هنگام فرار دستگیر شدیم، ضمناً این عمل را هم انجام داده‌ایم. ضمناً هر دو متهم با هم ازدواج نموده‌اند که سند آن ضمیمه است. دادگاه پس از تشکیل جلسه و بررسی محتویات پرونده و اقرار صریح متهمین، بزه انتسابی را محرز دانسته است (بازگیر، ۱۳۷۵، صفحه ۱۴۱ و ۱۴۲). شعبه دیوان در نقض رأی دادگاه در پرونده فوق چنین اظهار داشته است:

با توجه به محتویات پرونده... در رابطه با زنا، نظر به اینکه طرفین از ابتدا قصد ازدواج داشته‌اند و اظهار ندامت نموده‌اند و حسب نظر برخی از فقها عظام نکاح به صورت فارسی مورد تصدیق هست، حتی بعضی از بزرگان نکاح معاطاتی را صحیح دانسته‌اند، اجرای حد زنا نسبت به هر دو مشکل و مورد شبهه است و الحدود تدرأ بالشبهات لذا رای صادره. (۲۶/۵۶۸۱/۶۹) نقض می‌گردد (همان، صفحه ۱۴۲).

روشن است که اگر جایی نکاح معاطاتی رخ دهد و طرفین به حلیت عملشان اعتقاد داشته باشند، زنا صورت نگرفته و یا اگر هم مطابق نظر کسانی که نکاح معاطاتی را کافی نمی‌دانند صورت گرفته باشد، به علت جهل به حرمت استحقاق عقوبت ندارد. ولی پرونده مذکور این‌گونه نیست. اولاً، اظهار ندامت و پشیمانی متهمین حکایت از آن دارد که عملشان جرم بوده و آنها هم از آن مطلع بوده‌اند. پشیمانی در جایی است که شخص به قبح و زشتی و حرمت عملش آگاه باشد. ثانیاً، این دو پس از زنا، با همدیگر ازدواج کرده و نکاحیه رسمی سنددار تنظیم کرده‌اند. ثالثاً، این دو ادعای شبهه نکرده‌اند. رابعاً، ادعای ندامت حتی اگر به معنای توبه باشد، اگر پس از اقرار به جرم باشد، برای حاکم اختیار اجرا و عدم اجرای حد را می‌آورد نه اینکه حد را به طور کلی ساقط کند و اگر قبل از اقرار به جرم باشد، موجب سقوط مجازات است. همگی این امور می‌رساند که تمسک به قاعده در این مورد صحیح نیست.

ب- قاعده در آ در قانون مجازات اسلامی فعلی (مصوب سال ۱۳۹۲)

قانونگذار به اصل حقوقی و فقهی قاعده «در آ» در قانون جدید پرداخته است. قاعده در آ در باب حدود و قصاص باید دلایلی مبنی بر اثبات بزه داشته باشد و اگر شک و شبهه‌ای به وجود آمد در آن شرایط قاعده در آ حاکم است. وجود این قاعده در قانون مجازات جدید نکته‌ای بسیار مثبت است. درجه‌بندی مجازات‌ها از یک به ۸ درجه، دلیلی برای تشدید مجازات در قوانین مجازات اسلامی نیست، بلکه به دلیل این است که قانونگذار توانایی و قدرت را به قاضی داده است که از بین درجات متعدد بتواند تخفیفات را قائل شود که این امر، پسندیده است. مسئله درک شبهات که قاعده در آ (که به حدود اختصاص داده شده) در قانون جدید مجازات اسلامی به تعزیرات اختصاص داده شده است. با تصویب قانون مجازات جدید، قاعده در آ نیز در مفاد آن پیش‌بینی شده است. بر این اساس، در مورد همه جرایم در صورتی که شبه برطرف نشود، قاعده در آ جاری خواهد بود. ماده ۱۲۰ این قانون بیان می‌کند که هرگاه وقوع جرم یا برخی از شرایط آن یا هر یک از شرایط مسئولیت کیفری مورد شبهه یا تردید قرار گیرد و دلیلی بر نفی آن یافت نشود، حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نخواهد شد. هم چنین ماده

۱۲۱ این قانون نیز می‌گوید که در جرایم موجب حد به استثنای محاربه افساد فی الارض، سرقت و قذف، به صرف وجود شبهه یا تردید و بدون نیاز به تحصیل دلیل، حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نخواهد شد.

پ- بررسی تعامل و ارتباط قاعده در آ در قانون مجازات اسلامی با آموزه های کیفرشناسی نوین

مطابق ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی (هرگاه وقوع جرم یا برخی از شرایط آن و یا هریک از شرایط مسئولیت کیفری مورد شبهه و تردید قرار گیرد و دلیلی بر آن یافت نشود حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود).

مطابق ماده ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی (در جرائم حد به استثنای محاربه، افساد فی الارض، سرقت و قذف به صرف وجود شبهه یا تردید و بدون نیاز به تحصیل دلیل، حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود).

با بررسی دو ماده مربوط می‌توان گفت که دامنه قاعده در آ در قانون مجازات اسلامی جدید نسبت به قانون سابق افزایش یافته و شامل تمامی جرایم اعم از حد و تعزیرات می‌شود. چراکه قانونگذار در ماده ۱۲۰ به طور مطلق بیان نموده است هرگاه وقوع جرم مورد شبهه و تردید قرار گیرد آن جرم ثابت نمی‌شود. لذا می‌توان گفت که این مورد با آموزه های کیفرشناسی نوین سنخیت و تعاملی ندارد. ولی در خصوص ماده ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی قانونگذار نسبت به برخی از جرائم حدی مانند محاربه، افساد فی الارض، سرقت و قذف سیاست کیفری سخت گیرانه داشته است. یعنی

در جرائمی که مربوط به نظم و امنیت عمومی می‌شود قانونگذار صرف وجود شبهه یا تردید را باعث سقوط مجازات نمی‌داند و نیاز به تحصیل دلیل دانسته است. در کیفرشناسی نوین با استفاده از ابزارهای آماری مجرمان به دو گروه مجرمان پر خطر و مجرمان کم خطر تقسیم بندی می‌شوند. برای مجرمان پر خطر سیاست کیفری سخت گیرانه ای از قبیل حبس مدنی، حبس های طولانی مدت، بازداشت های پیش گیرانه و... در نظر گرفته می‌شود. بنابراین می‌توان گفت قانونگذار ایرانی در مورد جرایم محاربه و افساد فی الارض که از جمله جرایم خطرناک محسوب می‌شود و مرتکبان این گونه جرایم افراد با ریسک بالا هستند سیاست کیفری سخت گیرانه ای در نظر گرفته است و برای سقوط آن تنها وجود شبهه و تردید را کافی ندانسته و نیازمند تحصیل دلیل می‌باشد. اکنون به بررسی تک تک این چهار جرم حدی پرداخته می‌شود.

۱- جرم محاربه

در لسان العرب آمده (حرب) نقیض (سلم) است و (سلم) به معنای سازگاری و نقیض آن (حرب) به معنای ناسازگاری است که گاهی به صورت ربودن مال و گاهی به صورت غضب و زمانی، به صورت جنگ و درگیری نظامی جلوه می‌کند (ابن منظور، ۱۳۸۸ ص ۳۰۲). بنابراین در لغت عرب (محاربه) مصدر باب فاعله است که «حارب» بر وزن «فاعل» به معنای سلب و غارت کردن دیگری و با سکون راء به معنای جنگیدن و نزاع است که جمع آن (حروب) است (معلوف، ۱۳۶۴)

مطابق آیه ۳۳ سوره مبارکه مائده خداوند در خصوص محاربه و افساد فی الارض می‌فرماید: ﴿انما جزاؤا الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الارض فسادان یقتلوا او یصلبوا او تقطع ایدیهم و ارجلهم من خلاف او ینفوا من الارض ذلک لهم خزی فی الدنیا و لهم فی الاخره عذاب عظیم﴾. ترجمه: همانا سزای کسانی که باخدا و رسول او می‌ستیزند و در راه گسترده فساد در زمین تلاش می‌کنند، این است که یا کشته شوند یا به دار آویخته گردند و یا دست چپ و پای راستشان یابه عکس بریده شود و یا به سرزمینی دیگر تبعید شوند، تازه این امر عذاب و خواری دنیوی آنهاست و در آخرت برای آنان عذابی بزرگ می‌باشد، محاربه به معنای لفظی اش در مورد خداوند محال است و ناگزیر باید بگوئیم معنای مجازی آن منظور بوده که شامل مخالفت با احکام شرعی و ظلم و اسراف می‌باشد و منظور از محاربه با رسول، عملی است که به ابطال اثر ولایت رسول خدا منجر می‌شود، مانند جنگیدن کفار با پیامبر و مسلمانان و راهزنی راهزنان که امنیت عمومی را خدشه دار می‌سازند، و مراد از افساد در زمین استفاده از سلاح و تعدی به حرمت و اخلال در امنیت عمومی است. در حد محاربه بیشتر بحث امنیت شهروندان و محافظت از جان و مال و ناموس و ارباب مطرح است. همانطوری که قبلاً اشاره شد در کیفرشناسی

نویین بر اساس رویکرد مدیریت خطر برخورد شدید و قاطع به صورت کیفر با گروه های پر خطر انجام می گیرد و در حد محاربه نیز این برخورد نیز شدید می باشد. برای حد محاربه چهار نوع مجازات در نظر گرفته شده که از بین آن ها یک مجازات به اختیار قاضی انتخاب و اجراء می شود، که این مجازات ها عبارتند از: اعدام، صلب، قطع دست راست و پای چپ و تبعید (بالای یک سال) می باشد. و در تبعید همانطوری که بیان شد در طول مدت تعقیب تحت مراقبت قرار گرفته و حق مراوده و معاشرت با دیگران را ندارد.

۲- افساد فی الارض

فساد در حالت مصدر لازم به معنای تباه شدن، از بین رفتن، متلاشی شدن و در حالت اسم مصدر به معنای تباهی و خرابی و در حالت اسم به معنای فتنه، آشوب، شرارت و بدکاری است (عمید، ذیل فساد). در زبان عربی (فساد) ضد صلاح و به معنای تباه شدن، از بین رفتن، آشوب و خارج شدن چیزی از حد اعتدال است. راغب اصفهانی می گوید: (فساد، بیرون رفتن از حد اعتدال است؛ چه کم باشد و چه زیاد و صلاح ضد فساد است) (راغب اصفهانی، ص ۳۷۶).
در «دایره المعارف اسلامی» آمده است: «فساد به معنی به هم خوردگی حال یا اخراج از امنیت می باشد» (فرهنگ خواه، ۱۳۵۹، ۲۰۵)

محارب و مفسد فی الارض در قانون سابق مجازات اسلامی در یک معنی مشترک به کاربرده شده بود که در قانون فعلی بحث محارب و افساد فی الارض از هم جدا شده و از تعاریف مشخص و مستقلی برخوردار شده اند. در حد مفسد فی الارض که مجازات آن شدید می باشد، اعدام پیش بینی شده و شامل مصادیق متعددی می شود. یعنی هرکس بطور گسترده مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک، دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در این موارد بشود به مجازات اعدام محکوم می شود. نکته اصلی و قابل ذکر در خصوص معاونت در این مصادیق ارتكابی جرم افساد فی الارض، به عنوان یک جرم مستقل جرم انگاری گردیده و همانند مباشر جرم به مجازات اعدام محکوم می گردد. و می توان گفت سیاست کیفری در خصوص جرم افساد فی الارض سخت گیرانه می باشد.

۳- سرقت حدی

لفظ سرقت از ماده سرق به معنای گرفتن شی و بردن آن به صورت پنهانی است (مشکینی، ۱۴۲۸، ص ۳۰۴). پس سارق به کسی گفته می شود که مالی را مخفیانه می برد، به طوری که صاحب مال نمی داند. چون اگر اخذ مال پنهانی نباشد به آن شخص مختلس، مستلب و متهب می گویند. (عبدالرحمن، ص ۲۳۰)

در حد سرقت چهار نوع مجازات شدید بدنی در نظر گرفته شده است که در مرتبه اول مجازات قطع چهار انگشت دست راست، در صورت تکرار در مرتبه سوم قطع پای چپ، و در صورت تکرار در مرتبه سوم حبس ابد می باشد حتی اگر سرقت سوم در زندان اتفاق بیافتد و در مرتبه چهارم اعدام می باشد. که هدف از وضع این مجازات جلوگیری از تکرار جرم می باشد. نکته قابل توجه در این مورد این است که حد سرقت در مرتبه سوم و چهارم که به ترتیب حبس ابد و اعدام است با قانون سه ضربه و اخراج مطابقت دارد.

۴- قذف

(والذین یرمون المحصنات ثم لم یاتوا باریعه شهداء فاجلدوهم ثمانین جلدھفلا تقبلوا لهم شھادہ ابدًا" و اولئك هم الفاسقون) (سوره نور ۴ آیه). (ترجمه: کسانی که به زنان پاکدامن نسبت زنا می دهند و سپس چهار شاهد نمی آورند، آنان را هشتاد ضربه تازیانه بزنید و شهادت آنان را برای همیشه نپذیرید و آنان فاسقند). صاحب کتاب العین قذف را چنین معنا کرده است: القذف الرمی بالسهم و الحصى و الکلام: قذف به معنای پرتاب تیر و سنگ ریزه و کلام است. (همان، ص ۱۳۵). در حد

قذف یک سیاست کیفری سخت گیرانه به صورت تشدید مجازات در نظر گرفته شده است. در قذف اگر پس از اجرای حد، شخص قذف را تکرار نماید حد نیز تکرار می شود و اگر بگوید آنچه گفته ام حق بود به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش محوم می گردد.

نتیجه گیری

- ۱- قاعده درآ مطابق قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ شامل تمامی جرایم اعم از حد و تعزیر می گردد.
- ۲- در قانون مجازات برخی از جرایم حدی مانند محاربه، افساد فی الارض، سرقت و قذف به صرف وجود شبهه یا تردید نمی توان قاعده درآ را اجراء نمود.
- ۳- با توجه به اینکه مطابق ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ برای تمامی جرایم اعم از حد و تعزیر قاعده درآ به صرف شبهه یا تردید اعمال می گردد، لذا با آموزه های کیفرشناسی نوین مطابقت ندارد.
- ۴- مطابق ماده ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۹۲ می توان گفت که این ماده با آموزه های کیفرشناسی نوین مطابقت دارد. یعنی مطابق این ماده برخی از جرائم حدی مانند محاربه، افساد فی الارض، سرقت و قذف به صرف وجود شبهه و تردید قاعده درآ اعمال نمی شود و سیاست سخت گیرانه ای برای مرتکبان این گونه جرایم در نظر گرفته شده است. چراکه برای اعمال قاعده درآ برای این جرایم را نیازمند به تحصیل دلیل دانسته است.
- ۵- یکی از مجازات محارب، تبعید مرتکب آن می باشد و در تبعید شخص حق هیچگونه مرآوده با اشخاص دیگر را ندارد. لذا این نوع مجازات با مجازات حبس با امنیت فوق العاده بالا در کیفرشناسی نوین مطابقت دارد، چراکه در اینگونه زندان ها، برای زندانی محدودیت های فیزیکی بسیار شدیدی اعمال می شود.
- ۶- مجازات در مرتبه سوم برای شخص سارق در سرقت حدی، حبس ابد می باشد. در کیفرشناسی نوین زندان با مدت زمان طولانی و حبس ابد برای مجرمان پرخطر به منظور مدیریت و نظارت بر آن ها بر مبنای قانون سه ضربه و اخراج اعمال می شود. بنابراین این قسم از مجازات سرقت حدی با آموزه های کیفرشناسی نوین مطابقت دارد.
- ۷- قانونگذار در قانون مجازات اسلامی جدید مصوب سال ۹۲، مجازات شخص معاون در ارتکاب جرم افساد فی الارض را همانند و همسان مباشر جرم افساد فی الارض قرار داده است. در کیفرشناسی نوین نیز بنابه اصل تسامح صفر، که بر مبنای آن نباید از کوچکترین اهمال و تسامح در برخورد با جرایم غفلت نمود و برای پیشگیری از جرایم بایستی با شدت بیشتری برخورد نمود، لذا این مورد را می توان با آموزه های کیفرشناسی نوین مطابقت داد، چراکه قانونگذار با تعیین مجازات همانند و همسان مباشر برای معاون جرم افساد فی الارض، خواسته است با مجازات شدیدتر از تکرار این گونه جرایم جلوگیری و پیشگیری نماید.

فهرست منابع

*قرآن کریم

الف- کتب فارسی و عربی

- ۱- ابن منظور، ۱۳۸۸ ه. ق، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر.
- ۲- اردبیلی، سید عبدالکریم، ۱۴۱۳ ه. ق، *فقه الحدود و التعزیرات*، قم، مکتبه امیرالمؤمنین (دارالعلم مفید)، اول.
- ۳- بازگیر، یدالله، ۱۳۷۵، *علل نقض آرای کیفری در شعب دیوان عالی کشور*، تهران، نشر حقوقدان، اول.
- ۴- جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۰۷ ه. ق، *الصحاح*، بیروت، دارالعلم للملایین، چهارم.
- ۵- خویی، سید ابوالقاسم، ۱۳۹۶ ه. ق، *مبانی تکملة المنهاج*، قم، دوم.
- ۶- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق از محمد سید گیلانی، بیروت، دار المعرفه.
- ۷- سبحانی، جعفر، ۱۴۳۲ ه. ق، *الحدود و التعزیرات فی الشریعه الاسلامیه*، موسسه امام صادق.
- ۸- سبزواری، سید عبدالاعلی، ۱۴۱۷ ه. ق، *مهذب الاحکام*، دفتر آیت الله العظمی سبزواری، ج ۲۷، چهارم.
- ۸- سیاح، احمد، ۱۳۶۵، *فرهنگ بزرگ جامع نوین*، تهران، انتشارات اسلام، دهم.
- ۹- طباطبایی، سید علی، ۱۴۲۲ ه. ق، *ریاض المسائل*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، اول.
- ۱۰- عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، *مسالك الافهام*، (چاپ سنگی)، بی تا.
- ۱۱- عبدالرحمان، محمود، *معجم المصطلحات والالفاظ الفقهیه*، بی جا، بی تا.
- ۱۲- فاضل لنکرانی، محمد، ۱۳۷۵، *جامع المسائل*، ج ۱.
- ۱۳- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ ه. ق، *العین*، قم، دارالهجره، دوم.
- ۱۴- فرهنگ خواه، محمد رسول، ۱۳۵۹، *دائرة المعارف اسلامی*، چاپ اول، تهران، مؤسسه مطبوعاتی عطایی.
- ۱۵- مشکینی، میرزا علی، ۱۴۲۸ ه. ق، *مصطلحات الفقه*، بی جا، بی تا.
- ۱۶- معلوف، لوئیس، ۱۳۶۴، *المنجد فی اللغه و الاعلام*، تهران، چاپ دوم، انتشارات اسماعیلیان.
- ۱۷- مکی، جمال الدین (شهید اول)، *القواعد و الفوائد*، قم، مکتبه المفید.
- ۱۸- نجفی، محمد حسن، ۱۳۶۸، *جواهر الکلام*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، سوم.

ب- مجلات

- ۱- حسینی، سید محمد- ساعدی، زهرا- صادقی، پاییز ۱۳۹۱، آزاده، نگاهی به تحولات مفهومی و کارکردی در کیفرشناسی نوین، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۷۶، شماره ۷۹.

پ- سایت اینترنتی

- ۱- <http://www.maavanews.ir> (ساعت ۱۵:۰۰ تاریخ ۹۳/۱۱/۱۵)، نشریه داخلی قوه قضائیه

ت- کتب انگلیسی

- 1- Blomberg, Thomas; Yeisley, Mark; Lucken, Karol, "American Penology: Words, Deeds, and Consequences", Crime, Law & Social Change, 1998.
- 2- Blumstein, Alfered; Cohen, Jacqueline; Roth, Jeffery A.; Visher, Christy A., "Criminal Careers and Career Criminals", National Academy Press, Vol. 1, 1986.

3- Feeley, Malcolm; Simon, Jonathan, "***The Form and Limits of the New Penology***", Punishment and Social Control: Essays in Honor of Sheldon L. Messinger Author(s) Blomberg, Thomas G., Cohen, Stanley, Publication New York Volume Social Institutions and So- cial Change ,1995.

4- Feeley, Malcolm; Simon, Jonathan, "***Actuarial Justice: The Emerging New Criminal Law***", In Nelken D. (dir), The Future of Criminology, Sage, London: 1994.

5- Feeley, Malcolm; Simon, Jonathan, "***The New Penology: Notes on the Emerging ,Strategy of Corrections and its Implications*** Criminology, Vol. 30, 1992.

6- Greenberg, David F., "***The Incapacitation Effect of Imprison ment: Some Estimates***", Law and Society Review, 1975.

7- Rose, William, "***Crimes of Color: Risk, Profiling, and the Con temporary Racialization of Social Control***", New Research in American Political Development, International Journal of Politics, Culture and Society, Vol. 16, No. 2, 2002.

8- Slingeneyer, Thibaut, "***The New Penology: A Grid for Analyzing the Ttransformations of Penal Discourses, Techniques and Ob jectives***", Vol. IV, 2007

9- Sun- key, "***Offender Classification and Assessment in Book Correctional Counseling: A Cognitive Growth Perspective***", Jones and Bartlett Publishers, 2007.